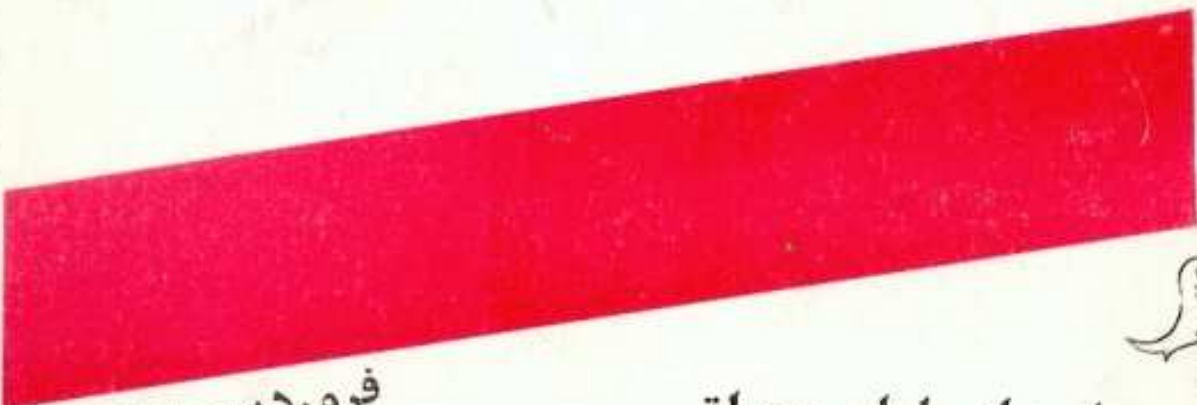


جنبش سوسیالیستی

نشریه

شماره ۱۳

سازمان سوسیالیستهای ایران



فروردین ۱۳۶۷

صلح برای ایران و عراق

«شناخت امپریالیزم معاصر» ۲

چهره یابی نهاد های مردم سالارانه در انقلاب مشروطه ایران

تاریخچه پرچم سه رنگ ایران

کنفدراسیون و بازماندگان رژیم شاه

در رابطه با جلسه یادبود کنفدراسیون

آزادی، دموکراسی و دیکتاتوری پرولتاریا

نامه جابر از زندان سافته پاریس

حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدایی؟!!

کنفدراسیون و بازماندگان رژیم شاه

مدت زمانی است که عده‌ای از بازماندگان سرشناس رژیم شاهنشاهی سعی دارند تا با دامن زدن بیک سیاست دوگانه، از طرفی با اشاره به جنایات رژیم جمهوری اسلامی و از طرفی دیگر خدشه دار کردن مبارزات سازمانهای سیاسی که در سرنگونی رژیم شاه نقش داشته‌اند از طریق وارونه جلوه دادن حقایق و پخش اباطیل، جوی را بوجود آورند تا شاید از آن طریق موفق گردند پرده استتاری بر ماهیت و عطرکرد رژیم شاه بیاندازند و در نتیجه کسب حیثیت و آبرو نمایند. در رابطه با همین سیاست است که عاملین رژیم ستم شاهی همچون عناصری مانند شجاع الدین شفا و دکتر سید مهدی پیراسته به عبث کوشش دارند اکنون که دیگر جریان سیاسی بنام کنفدراسیون وجود ندارد و جوابگویی به نظرات این آقایان توسط آن تشکل امکان پذیر نیست، با وارونه جلوه دادن حقایق و پخش اراجیفی همچون کنفدراسیون وابسته به کارتل‌های نفتی، کسرن‌های بانکی و... و یا "کنفدراسیون را بیگانگان علیه شاه درست کردند، به همین دلیل امروز دیگر وجود ندارد" * از هان عمومی رانست به بزرگترین سازمان پلورالیستی و دمکراتیک جامعه ما پس از ۲۸ مرداد مشوش نمایند.

★ گفت‌وگوی کیهان با مهدی پیراسته

- «کنفدراسیون» رایگانگان علیه شاه درست کردند، به همین دلیل امروز دیگر وجود ندارد
- حرف آنها که می‌گویند مبارزات خارج از کشور اهمیت ندارد، اشتباه و بی اساس است

چرا دیگر کنفدراسیون وجود ندارد؟

ما امروز مثل زمان شاه از حمایت اجنبی‌ها برای مبارزات خودمان برخوردار نیستیم بنابراین باید در این راه به خودمان تکیه کنیم. پادگان هست در زمان شاه فقید ۱۳ هزارتن از دانشجویان ایرانی در خارج از کشور مستقیم یا غیر مستقیم از شاه پول برای تحصیل می‌گرفتند و از بنیاد پهلوی یا از دولت دلار هم شش تومان بود و پدر و مادرها برای بچه‌هایشان می‌فرستادند. این بچه‌ها، درس می‌خواندند یا نمی‌خواندند، به هر حال وقتی برمی‌گشتند تاج سر مملکت و ملت هم بودند. یک مرتبه هم بدون مراتب می‌آمدند و مدیر کل و معاون

وزیر یا حتی وزیر می‌شدند. باز فحش می‌دادند. چون «کنفدراسیون» وجود داشت. حالا ارز محصلین قطع شده، محصلین هیچ پناهی ندارند، همه شان در بدترین شرایط زندگی می‌کنند اما سازمان «کنفدراسیون» از بین رفته چرا؟ آخر قدری به این موضوع فکر بکنیم. دلیلش این است که آن وقت پشت این سازمان و تبلیغات علیه رژیم مملکت خارجی بود و حالا نیست.

بنابراین ما باید این اعتبار دادن به خارجی در راه نجات ایران را رها کنیم و سخت تصمیم بگیریم که روی پای خودمان بایستیم. البته من نمی‌گویم که اگر خارجی خواست به مبارزات ملت ایران کمک کند، باید جلوی او را گرفت.

کیهان شماره ۱۶۱
۲۶ مرداد ۱۳۶۶

هزل کوئی یکی از مشخصات سردمداران رژیم محمدرضاشاه بوده است، با اینحال نگارنده در این نوشته بهیچوجه قصد پاسخگویی به هجویات فوق را ندارد. ولی برای اطلاع خوانندگان نشریه "جنبش سوسیالیستی" ضروری بنظر میرسد تا توضیحی در رابطه با کفدراسیون جهانی بدهم.

کفدراسیون جهانی در آوریل ۱۹۶۰ در شهر هایدلبرگ آلمان فدرال پایه گذاری شد. در آنزمان بیشتر فعالین کفدراسیون عناصر وابسته به جبهه ملی ایران، حزب توده و جامعه سوسیالیست های ایران بودند. پس از آن تاریخ فعالیتهای دانشجویی در خارج از کشور در قالب یک تشکیلات سراسری شکل گرفت، که بعدها با پیوستن اتحادیه واحد دانشجویان ایرانی در آمریکا، سازمان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی ایران و همچنین ایجاد واحدهای شهری در اقصی نقاط جهان تشکیلاتش جهانی شد. کفدراسیون جهانی در اثر اتخاذ سیاستی صحیح و درایت و کاردانی توانست در یک مقطع تاریخی معین به یکی از معتبرترین سازمانهای دانشجویی دنیا تبدیل گردد.

کفدراسیون جهانی نقش بس ارزنده ای در افشای ماهیت و عملکرد رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ایفا کرد. مبارزه ای که با اعتراض "به پایمال کردن اصول دمکراسی" توسط رژیم کودتا و درخواست "اجرای کامل قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد، منسی بر آزادی های فردی و اجتماعی از جمله آزادی اجتماعات، احزاب سیاسی، آزادی بیان و قلم" و حتی "احیای مشروطیت و انجام فوری انتخابات آزاد" شروع شد و سرانجام بخاطر توسعه نفوذ امپریالیسم در ایران و تشدید جو ترور و خفقان تمام فعالیت مبارزاتی خود را در جهت "سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه" قرار داد.

کفدراسیون جهانی توانست طی تظاهرات، راهپیمایی، میتینگ، اعتصاب غذا، پخش اعلامیه، صاحب مطبوعات، اشغال کنسولگری و سفارتخانه ها... پرده از چهره کریه رژیم ضد مردمی و وابسته با امپریالیسم شاه بدرد. و در همین رابطه بود که شاه، دستگاه های تبلیغاتی و سازمان امنیت (ساواک) با کمک همکاری سازمانهای امنیتی و جاسوسی سایر کشورها کارزار وسیعی علیه کفدراسیون گشودند. پس از سرنگونی رژیم شاه، آقای گرونی والد سخنگوی دولت ائتلافی سوسیال لیبرال آلمان (دولت ائتلافی احزاب سوسیال دمکرات و لیبرال دمکرات به صدراعظمی هلموت اشمیت) علناً اعتراف کرد که مأمورین سازمان امنیت آلمان - فدرال (فرناسونگ شوتس Verfassungsschutz) با مأمورین سازمان امنیت شاه (ساواک) مشترکاً علیه کفدراسیون جهانی عمل کرده اند.

کنفدراسیون جهانی بعنوان سازمان واحد در سال ۱۹۷۵ یعنی چهار سال پیش از سرنگونی رژیم محمدرضاشاه در اثر انشعابات بی دریبی متلاشی شد. اگر چه هریک از تکه های آن خود را کنفدراسیون مینامید ، ولی واقعیت این بود که بیشتر آنها به جریانات جنبی سازمانهای سیاسی موجود تبدیل شده بودند که همزمان و یا بعد از انقلاب بهمن ماه بخش بزرگی از اعضا آنها بایران مراجعت کردند . از لحاظ تشکیلاتی ، بخشی از آنها در سازمانهای سیاسی صادر ادغام شدند ، و بقیه بتنهائی و یا در ائتلاف با گروه های دیگر سازمانهای سیاسی جدیدی را پایه گذاری کردند .

اما بد نیست در این نوشته باین مسئله نیز اشاره کرد که مبارزات علیه رژیم جمهوری اسلامی بجهت نحوی سازمان داده میشود . بخش بزرگی از افشاگریهایی که اکنون در خارج از کشور علیه رژیم جمهوری اسلامی انجام میگیرد ، اگر چه توسط سازمانهای مختلف سیاسی دمکرات و چپ سازمان داده میشوند ، ولی من میتوانم بصراحت بیان دارم که بخش قابل توجه ای از این سازماندهی در رابطه مستقیم با کارها و اعضای قدیمی کنفدراسیون میباشد . وانگهی آن بخش از کنفدراسیون که نگارنده در آن عضویت داشت ، اولین سازمان سیاسی ایرانی بود که با حرکت از مواضع ملی و دفاع از آزادی و دمکراسی در مقابل جمهوری اسلامی اعلام موضع کرد . *

=====

* در این رابطه میتوان به صدها مقاله مندرج در نشریات مختلف از آن جمله " ناینز هم آدر " ، " بولتن " ، " پیام آزادی " ، " جنبش دانشجویی " ، " جنبش سوسیالیستی " ... مراجعه کرد . ما همیشه در مقابل رژیم ترور و خفقان جمهوری اسلامی موضعی قاطع اتخاذ کرده و همچون زمان رژیم شاه از حقوق دمکراتیک تمام شهروندان ایرانی صرفنظر از وابستگی سیاسی و مذهبی شان بدفاع برخاسته ایم .

مبارزه علیه هر نوع شکنجه جسمی و روانی
و لغو قوانین اعدام .

به نقل از اصول ، اهداف و خواست های
سازمان سوسیالیست های ایران

جنبش سوسیالیستی

— نشریه سازمان سوسیالیستهای ایران — ۱۰

اما صرف نظر از ادعای کاذب و بی پایه آقای پیراسته در رابطه با کفدراسیون، ایشان در همین گفتگو با کیهان لندن بدستی صحبت از "حمایت اجنبی ها" از رژیم شاه نموده اند. ولسی معلوم نیست که آیا در اثر فراموشی و یا شکسته نفسی در مقابل همتایان خود نخواستند که به همکاری خود با سازمانهای جاسوسی "اجنبی" اشاره بنمایند، زیرا جناب ایشان در روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دومین فردی بودند که خبر پیروزی کودتای سیا و انتلیجنت سرویس علیه دولت ملی و قانونی دکتر محمد مصدق را از رادیو تهران تحت عنوان "قیام ملی" پخش نمودند.

اما چون تا کنون صدها کتاب در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد منتشر شده است که هر یک بنحوی نقش کودتاگران آمریکائی و انگلیسی را برجسته کرده اند - حتی اخیرا آقای "مارک گازیوروسکی" با استفاده از اسناد مقامات دولتی آمریکا به نقش جاسوسان آمریکائی و انگلیسی در به ثمر رساندن کودتا صراحت کرده است - احتیاج نیست در این نوشته در باره آن مجددا سخن گفت. فقط بایستی سؤال کرد که چرا تا کنون ما بین این همه اسنادی که در رابطه با سرسپردگی رژیم شاه با امپریالیسم جهانی منتشر شده است حتی یک ورق در باره کفدراسیون وجود ندارد. بد نیست آقای شجاع الدین شفا* که محقق و اهل

* در این پانویس در رابطه با نام شجاع الدین شفا اشتباهی رخ داده بود، که تصحیح شد. ضروریست یادآور شد که آقای شجاع الدین شفا برادر کاتب شاه (شجاع الدین شفا) در توطئه های "ساواک" علیه

شماره ۲۶۴	به : لاهوت ۳-۳۳۲	کفدراسیون جهانی
تاریخ ۰۳/۱/۱۴	از : سیمین	نیز نقش
دوره : مجله ایران ژورنال		سازمانی داشته
جناب آقای خوانساری فرمودند مجله ایران ژورنال که در برلین غربی با مساعدت		است
سرکسولگری شاهنشاهی ایران در شهر مذکور تهیه و منتشر میشود مجله همسفری		در اینجا دو سند
است آقای شجاع الدین شفا سرکسول شاهنشاهی ایران در برلین غربی		که حاکی از
پیشنهاد نموده اند در صورتیکه موافقت دارند بنظورتقویت بنیه مالی این مجله		رابطه ایشان با
هرموقع که منتشر میشود تعداد ۳۰۰ جلد از آن توسط سرکسولگری شاهنشاهی		"ساواک" می باشد را
ایران در برلین غربی خریداری شود.		به چاپ میرسانیم.
آخرین شماره مجله مذکور جهت استحضار بیشتر به دست تقدیم میشود.		سیمین - نمایندگی ساواک
محمودی		در ژنو.
		لاهور - اداره کل ساواک
		محمودی - احمد مالک مهدوی
		بنقل از "پارهای از اسناد ساواک"
		از انتشارات کفدراسیون جهانی - آذر ۱۳۰۵

علم نیز میباشند، با همکاری دکتر مهدی پیراسته که حتما باید رابطه حسنه و دیرینه ای با کودتاگران سیا و انتلیجنت سرویس داشته باشند، کوشش کنند در این رابطه سندی را ارائه دهند. ولی به آنان اطمینان میدهیم، ارائه سندی بنام کنفدراسیون جهانی امکان پذیر نخواهد بود، زیرا کنفدراسیون سازمانی بودعلنی که خط و مشی سیاسی آن سازمان در کنگره های علنی سالیانه اش توسط نمایندگان منتخب واحدهای شهری تعیین میشود و هیئت دبیران منتخب کنگره ها موظف به اجرای آن خط و مشی بودند. در هر کنگره ساعتها وقت صرف سؤال و جواب و بحث و گفتگو در رابطه با گزارش هیئت دبیران و عملکرد کنفدراسیون میشد. و در رابطه با همین تشکیلات پلورالیستی و فدرال بود که رقابتی بین فراکسیونهای مختلف در کنفدراسیون و حتی فدراسیونها و واحدهای محلی وجود داشت، هر خطای کوچک شدیداً زیر ذره بین نهاده میشد، و هر نوع عملکردی که برخلاف منافع ملی و استقلال ایران بود افشا میگردید.

اگرچه برخی از جریانات سیاسی خارج از کشور که تعدادی از اعضا آنها بصورت فردی در کنفدراسیون عضویت داشتند، بنحوی از انحاء تحت تأثیر سیاستهای دولی نظیر شوروی، چین تودهای و حتی کشورهای عربی (عراق، یمن جنوبی، جنبش ظفار...) قرار داشتند، اما نتوانستند سیاستهای خود را بر کنفدراسیون تحمیل کنند، زیرا همیشه مبارزه بخاطر حفظ سیاست مستقل و ملی در کنفدراسیون ادامه داشت. کنفدراسیون از بدو تأسیس خود علیه سیاست امپریالیستهای غرب موضع داشت و بخاطر " اخراج مستشاران خارجی... مهمانان ناخوانده ملت ستمدیده ایران " و

<p>۲۴۲/۲۶۲۱</p> <p>۵۳۹,۳</p> <p>در باره: مجله ایران زورنال</p> <p>بازگشت بنامه شماره ۴۶۴ - ۵۳/۹/۱۴</p> <p>(توسط سرکنسولگری شافه)</p> <p>با خریداری ۳۵۰ جلد مجله ایران زورنال موافقت میگردد.</p> <p>معدالك بلحاظ حفظ رعایت بیطرفی خواهشمند است دستور فرمائید توزیع مجله مزبور را بعهده ناشر گذارده و سر کسولگری راساً و علناً در این امر مداخله ننماید. بامداد</p>	<p>به: سیمین</p> <p>از: ۳۳۲۱</p> <p>سیمین = نمایندگی ساواک در ژنو محمودی = احمد مالک مهدوی مسئول ساواک در اروپا بامداد = پرویز ثابتی مقام عالیرتبه امنیتی. پرویز خوانساری = سفیر شاهنشاه آریامهر در خارج از کشور و سرپرست امور دانشجویان پان ایرانی خارج از کشور.</p>
---	---

" خروج فوری ایران از پیمان سنتو " و لغو " قرار داد دو جانبه ایران و آمریکا " و لغو " قرار داد خائانه کمرسیوم " مبارزه میکرد و " سیاستهای استعمارطلبانه ... در سراسر جهان را محکوم می نمود و پشتیبانی خود را از کلیه نهضت های بیدار و استقلال طلبانه جهان اعلام کرده و " روش تبعیضی دولت آفریقای جنوبی را محکوم می کرد و " آنرا مظهري از برتری نژاد سفید در آن کشور و در واقع از استعمار و امپریالیسم " می دانست . با گذشت زمان این مواضع دقیقتر هم شد .

پس از سالها مبارزه درون سازمانی بین فراکسیونهای مختلف ، کنفدراسیون موفق به اتخاذ موضع علیه سیاست همزمنی طلبانه اتحاد جماهیر شوروی شد و در این رابطه سیاست حزب توده را محکوم نمود . در باره اتخاذ موضع نسبت به سیاست چین توده ای بخاطر پشتیبانی چین از رژیم وابسته باامپریالیسم شاه ، بین فراکسیونهای مختلف کنفدراسیون مبارزه در گرفت ، که تا دقایق آخر عمر کنفدراسیون - بعنوان یک سازمان واحد - همچنان ادامه داشت . اگر چه در هیچ زمانی سیاست چین توده ای مورد تأیید کنفدراسیون قرار نگرفت ، ولی پیروی بعضی از فراکسیونهای کنفدراسیون از سیاست چین توده ای در کنار سیاست بخشی دیگر از اعضا ، کنفدراسیون در دفاع از شیوه مبارزه صلحانه ۲ عنصر مهمی بودند که در انشعاب و متلاشی شدن کنفدراسیون بعنوان بزرگترین سازمان پلورالیستی و دمکراتیک جامعه ما پس از کودتای ۲۸ مرداد نقش بازی کردند .

اکنون پس از گذشت سالها از انحلال کنفدراسیون جهانی و سرنگونی رژیم شاه و استقرار رژیم خونخوار و ددمنش قرون وسطایی همچون جمهوری اسلامی در ایران ، باید به مبارزات گذشته کنفدراسیون افتخار کرد ، زیرا بخشی از این مبارزات علیه نفوذ امپریالیسم جهانی در ایران بود . وابستگی رژیم شاه - که آقایان پیراسته و شفا از مهره های مؤثر آن رژیم بودند - به امپریالیسم بقدری بود که حتی زمانیکه دولت آمریکا به قصد حفظ منافع ایالات متحده آمریکا تصمیم بقربانی کردن شاه گرفت و ژنرال هويزر به اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران دستور ترك ايران را داد ، آریامهر خدایگان که خود را جانشین کوروش و داریوش میدانست و حتی در زمان خیمه شب بازی که تحت عنوان جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی با بر باد دادن ملیونها تومان ثروت ملت ایران برگذار گردید ، سعی نمود تا با استفاده از هیبت و حیثیت تاریخی کوروش ، آبرویی برای خاندان پهلوی کسب کند . در سر قبر کوروش بیان داشت ، کوروش خواب که ما بیداریم ، اما تنها بدون هیچگونه مقاومتی با چشمانی اشک آلود تن باجرای فرمان ارباب تاج بخش داد و در واقع با این عمل خود پرده از ماهیت وابسته و سرسپرده خاندان پهلوی

برداشت . بلکه به عهد خویش با کوروش کبیر نیز وفادار نماند . بد نیست در این رابطه به نقل قولی از سهیل امیر حسین ربیعی آخرین فرمانده نیروی هوایی شاهنشاهی اشاره کنیم . ربیعی بیان میدارد :

" ه شش روز مانده بود که شاه برود ، سروکله هایز پیدا شد ، قره باغی گفت بیاید جلسه داریم ، وقتی آمدیم هایز آمد آنجانشست و مقدم که در جلسه بود فرار کرد و رفت ، هایز گفت من آمده ام که به شما بگویم شاه باید برود ، بهمین سادگی ، به مقدسات عالم بزرگترین ضربه است در زندگی من که تازه فهمیدم اصلا شاه درست مثل يك ساختمان است که بيك چوب پوسیده لغزان سوار است ، درست مثل اينکه دم يك موش را بگیرند و بیاندازند بیرون "

قبل و بعد از ترك ایران توسط شاه ، تعداد زیادی از درباریان وهم سلکان آقایان پیراسته و شفا ، "چاکران خانه زار" ، از صاحب منصبان ارتشی گرفته تا مقامات بالای وزارتخانه ها و دوایر دولتی حتی بازاریان با خارج کردن ملیاردها دلار ثروت ملت از ایران ، فرار را برقرار ترجیح دادند . جالب توجه اینجاست که برعکس شاه و طرفدارانش در همین روزها شاهد مقاومت یکی دیگر از مهره های امپریالیسم آمریکا در کشور پاناما بنام " نوری یگا " میباشیم ، که حاضر نیست به سادگی به جابجایی مهره ها توسط امپریالیسم آمریکا تن در دهد . جنابان پیراسته و شفا حتما قبول دارند که وابستگی رژیم شاه به امپریالیسم آمریکا حتی بیشتر از وابستگی " نوری یگا " بوده است ، چون رئیس جمهور آمریکا که خود در کشورش حق عزل يك مأمور عادی پلیس را هم ندارد با يك اشاره بدون مواجه شدن با کوچکترین مقاومتی از جانب جانشین کوروش کبیر او را از تخت بسزیر کشید ولسی " نوری یگا " را که آمریکا در کشور او پاناما دارای پایگاه بوده و همواره دست مداخله اش در آنجا باز است به سادگی نمی تواند برگرداند .

بنظر نگارنده بهتر آن است که آقایان پیراسته ، شفا و شرکا حداقل خود در اظهار نظر نسبت به وابستگی نیروهای سیاسی ایران به امپریالیسم جهانی سکوت اختیار کرده و لب بندند !

منصور بیات زاده